حقوق و سیاست سیری بر وضع قوانین و تکلیف زن در حقوق ایران

مظفری، علی

در دوره‏ی نهم قانون‏گذاری در سال‏های 1313و 1314 برخی‏ از مقررات قانون مدنی از جمله مقرارت نکاح،طلاق،حقوق،و تکالیف‏ زوجین در ایران وضع گردید.در سال‏های بعد،نیاز شدید به وضع‏ قوانین جدید منجر به تصویب قانون حمایت از خانواده در سال 1346 گردید که در آن تقریبا زن و شوهر در یک سطح و موقعیت قرار گرفتند.این قانون بعدها به صورت مواردی که امروزه از آن به عنوان‏ شرایط ضمن عقد نکاح در سند عقدنامه‏ی ازدواج درج می‏شود،تکمیل‏ گردید.

با بررسی این قانون متوجه می‏شویم که هیچ فرقی بین زن و مرد قائل نگردیده و به دور از نگاه جنسیتی به هر دو نفر اجازه می‏دهد با مراجعه به دادگاه و اثبات ادعای خود،تقاضای صدور«گواهی عدم‏ امکان سازش»را نمایند.

در ماده‏ی 8 قانون فوق الذکر 14 بند ذکر گردیده،که در صورت‏ احراز هریک از موارد،زن یا مرد می‏تواند به دادگاه مراجعه و در خواست صدور گواهی عدم امکان سازش را نمایند.دو مورد از 14 مورد،مواری‏ست که زن به استناد آن می‏تواند درخواست فوق را مطرح سازد و یک مورد هم خاص مرد است و 11 مورد دیگر مشترک‏ بین هر دو می‏باشد(مثل اعتیاد،ترک زندگی مشترک،سوء معاشرت‏ صورت ازدواج مجدد شوهر،تقاضای صدور گواهی فوق را نماید.

پس از پیروزی انقلاب و با تصویب لایحه‏ی قانونی تشکیل دادگاه‏ مدنی خاص در مهرماه 58 و برطبق تبصره‏ی 2،مواد 3 و 19 لایحه‏ی قانون مذکور،کلیه‏ی قوانین مغایر با قانون مدنی از جمله‏ قانون حمایت خانواده ملغی شد و موارد طلاق را به قانون مدنی سال‏ 1313 و 1314 ارجاع داد ولی پس از مدتی،ضعف‏ها و مشکلاتی ناشی‏ از اجرای آن بروز کرد و لزوم اصلاحاتی در خصوص قانون مدنی‏ احساس گردید و قانون‏گذار مبادرت به ایجاد تغییراتی در قوانین نمود. این امر مؤید این نظریه است که قوانین باید با توجه به مقتضیات زمان‏ و اوضاع و احوال جامعه تغییر یابد،ولی بسیاری از تغییرات در مسیر خود با مشکلات فراوانی روبه‏رو گردید.پس از تصویب لایحه‏ی‏ قانونی دادگاه مدنی خاص در سال 58،قانون اصلاح مقررات مربوط به‏ طلاق پس از تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام رسید.در آن ماده‏ی‏ واحده،مجمع،نظر مجلس را تأیید نمود.

در تبصره‏های 5 و 6 ماده‏ی واحده‏ی یاد شده دو مورد از مواردی‏ که در جهت حمایت از حقوق زن بود در نظر گرفته شده است که طبق‏ تبصره‏ی 5 آن به دادگاه مدنی خاص اجازه می‏داد که از بین بانوان واجد شرایط«قانون شرایط انتخاب قضات»،مشاور زن داشته باشند تا در جهت حمایت و مراقبت از حقوق زنان در آن دادگاه اظهار عقیده نماید و طبق تبصره‏ی 6 نیز در صورتی که طلاق از طرف زوجه نبوده و تقاضای طلاق هم ناشی از تخلف زن از وظایف همسری یا سوء اخلاق‏ و رفتار وی نباشد،به او اجازه داده شده است از دادگاه،حق الزحمه‏ی‏ کارهایی که شرعا به عهده‏ی وی نبوده است را مطالبه نماید که دادگاه‏ نیز با توجه به طول مدت زندگی مشترک و نوع کاری که زوجه انجام‏ داده و وسع مالی شوهر،مبلغی را معیّن و شوهر را به دادن آن ملزم‏ می‏نماید.پیش از تصویب قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق نیز در آبان‏ماه 70 ماده‏ی 1130 قانون مدنی اصلاح گردید که طبق آن،در صورتی که دوام زوجیت موجب عسر و حرج زوجه باشد،وی می‏تواند به حاکم شرع مراجعه و تقاضای طلاق کند.چنان‏چه عسر و حرج‏ مذکور در محکمه ثابت شد،دادگاه می‏تواند زوج را اجبار به طلاق نماید و در صورتی که اجبار میسر نباشد،زوجه به اذن حاکم شرع طلاق داده‏ می‏شود.

منظور از این‏که دوام زوجیت موجب عسر و حرج باشد،یعنی‏ زوجه در تنگنا قرار گرفته به نحوی که خطراتی برای او وجود داشته‏ باشد.پس از تصویب این ماده در دادگاه‏ها در مورد مصادیق عسر و حرج اختلافات زیادی وجود داشت.

فلذا در مورخ 03/07/79 قانون الحاق یک تبصره به ماده‏ی 1130 قانون مدنی مورد تصویب مجلس قرار گرفت که پس از مخالفت‏ شورای نگهبان در نهایت در تاریخ 31/06/81 به تصویب مجمع‏ تشخیص مصلحت نظام رسید.در این تبصره در تعریف عسر و حرج‏ آمده است:به وجود آمدن وضعیتی که ادامه‏ی زندگی را برای زوجین‏ با مشقت همراه ساخته و تحمل آن مشکل باشد و موارد ذیل در صورت احراز توسط دادگاه صالح از مصادیق عسر و حرج محسوب‏ می‏گردد؛

1-ترک زندگی خانوادگی توسط زوج حد اقل به مدت 6 ماه متوالی‏ و یا 9 ماه متناوب در مدت یک سال بدون عذر موجه؛2-اعتیاد زوج‏ به یکی از انواع مواد مخدر و یا ابتلاء وی به مشروبات الکلی که به‏ اساس زندگی خانوادگی خلل وارد آورده و امتناع یا عدم امکان الزام وی‏ به ترک آن در مدتی که به تشخیص پزشک برای ترک اعتیا لازم بوده‏ است؛3-محکومیت قطعی زوج به حبس بیش از 5 سال یا بیش‏تر؛ 4-ضرب و شتم یا هرگونه سوء رفتار مستمر زوج که عرفا غیرقابل‏ تحمل باشد؛5-ابتلا به هرگونه بیماری صعب العلاج دیگری که‏ زندگی مشترک را مختل نماید.6-هم‏چنین موارد مندرج در این ماده‏ مانع از آن نیست که دادگاه در سایر مواردی که عسر و حرج زن در دادگاه احراز شد حکم طلاق صادر نماید.

این موارد،تقریبا همان مواردی‏ست که قبلا تحت عنوان دیگری‏ وجود داشته و بعضا در شروط ضمن عقد ازدواج ذکر گردیده است.در پایان هم یادآوری می‏شود که با تصویب تبصره‏ی ماده 1133،زن‏ می‏تواند با وجود شرایط مقرر در مواد 1119(شروط ضمن عقد)و 1129(عدم تأدیه نفقه و یا عدم امکان الزام شوهر به دادن نفقه)و ماده 1130 از دادگاه تقاضای طلاق نماید.(فرستنده:سمیه رشیدی)